

# آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان

محمود خباز<sup>۱</sup>

دکتر اسماعیل سعدی پور<sup>۲</sup>

دکتر نورعلی فرخی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۵

تاریخ وصول: ۸۹/۵/۴

## چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی رابطه بین متغیرهای سبک‌های فرزند پروری مادر، سبک‌های هویت و تعهد در اواسط نوجوانی و نیز ارزیابی مدل علی پیشنهادی بین این متغیرها (برزونسکی، ۲۰۰۴) بود. روش: ۴۱۵ نفر (۲۳۸ دختر، ۱۸۷ پسر) از دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۲ شهر تهران از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و پرسشنامه سبک‌های پردازش هویت برزونسکی جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی و تحلیل مسیر تحلیل شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و سبک‌های هویت در مجموع ۳۱ درصد از واریانس تعهد را پیش‌بینی می‌کنند. اما نتایج نشان داد که مدل علی پیشنهادی برزونسکی برآزش خوبی در نوجوانان ایرانی نداشت و مدل پیشنهادی در پژوهش حاضر رد شد. بحث: احتمالاً به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و قومی جامعه ایران با جوامع غربی و نیز نقش تفاوت سنی در الگوی رابطه بین متغیرهای این پژوهش، مدل علی برزونسکی در نوجوانان ایرانی تأیید نمی‌شود، اما در مجموع سبک‌های فرزند پروری مادر و سبک‌های پردازش هویت پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای تعهد نوجوانان ایرانی هستند.

**واژگان کلیدی:** سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت، تعهد.

#### مقدمه

نوجوانی<sup>۱</sup> مرحله‌ای است که با تغییرات اساسی در خود<sup>۲</sup> و نیز تشکیل یک هویت<sup>۳</sup> پایدار همراه است. به اعتقاد اریکسون<sup>۴</sup> (۱۹۶۸) مهم‌ترین هدف دوران نوجوانی رشد یک هویت شخصی است. فرایند رشد هویت یک فرآیند پیش‌رونده است که شامل یکپارچه‌سازی آگاهانه اعتقادات فرد راجع به خودش، اعتقاد فرد راجع به اینکه دیدگاه دیگران راجع به او چگونه است و تعهد<sup>۵</sup> نسبت به ارزش‌های شخصی و هدف‌های زندگی است (شوارتز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). در الگوی ماریسا هویت‌براساس دو بعد اکتشاف و تعهد شکل می‌گیرد (بیابانگرد، ۱۳۸۶). طبق گفته وایت<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) تعهد به میزان سرمایه‌گذاری شخص و تصمیم فرد برای پذیرفتن ارزش‌ها، اعتقادات و مسیرهای شغلی ویژه قطع نظر از اینکه این‌ها توسط خود فرد تشکیل شده‌اند یا به

- 
1. adolescence
  2. ego
  3. identity
  4. Erikson
  5. commitment
  6. Schwartz
  7. White



سبک‌هویت سردرگم-اجتنابی از یک ساختار هویتی پاره پاره و نامنسجم به وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارت‌های حل مسئله محدود است. در واقع افراد با این سبک به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرآیند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵).

نوجوان و هویتش علاوه بر جنبه‌های فردی از زمینه اجتماعی (مثل تعاملات بین اعضای خانواده و همسالان) نیز تأثیر می‌پذیرد. این تأثیر برای سال‌ها ادامه یافته و حتی در ایجاد تغییرات تازه در هویت فرد تأثیرگذار است. روش‌های فرزندپروری والدین بخش مهمی از این زمینه اجتماعی هستند که نوجوان، رشد فردی و انتقال‌های زندگی خود را در آن تجربه می‌کند، در برمی‌گیرد (برونفن برنر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). درالگوی بامریند با توجه به دو عامل مطالبه‌گری<sup>۲</sup> و پاسخ‌دهی<sup>۳</sup> پاسخ‌دهی<sup>۳</sup> والدین، سه سبک فرزندپروری معرفی شده است (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

سبک مقتدرانه<sup>۴</sup>: والدین دارای این سبک با محبت بوده و رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود دارند. آنها ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات منطقی و عاقلانه دارند. برای منع رفتار و جلب حمایت فرزندان دلایل روشنی ارائه می‌دهند. احساس و عقیده کودک را در امور مختلف جویا شده و در برابر اعمال او عکس العمل مناسب ارائه می‌دهند.

سبک مستبدانه<sup>۵</sup>: در این سبک والدین از لحاظ اعمال کنترل منطقی رتبه پایین‌تری دارند. آنها بیشتر بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تأکید دارند و در ضمن کمتر با فرزندان خود گرم و صمیمی هستند. آنها به فرزندان اجازه مخالفت با تصمیمات و قواعد خود را نمی‌دهند.

سبک سهل‌گیرانه<sup>۶</sup>: این دسته از والدین فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند و از آنها توقعی ندارند، در امور خانه نظم و ترتیب حاکم نیست، در تشویق و تنبیه فرزندان خود جدی نیستند و

- 
1. Bronfenbrenner
  2. demandingness
  3. responsiveness
  4. authoritative
  5. authoritarian
  6. permissive



محققان سبک‌های فرزند پروری در گروه‌های مختلف قومی دارای تأثیرات متفاوتی هستند، از جمله هال<sup>۱</sup> و برسارد<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، به نقل از وایت، (۲۰۰۹) تفاوت معناداری در قومیت‌ها برای تأثیر سبک‌های فرزند پروری والدین روی شاخص‌های هویت مارسیا یافتند. این نتایج ضرورت مطالعاتی که به بررسی روابط این متغیرها و ارزیابی مدل ارائه شده توسط برزونسکی در فرهنگ‌ها و قومیت‌های متفاوت پردازد را ایجاب می‌کند. در نهایت به دلیل تأثیر سبک‌های هویت و تعهد در پیشرفت تحصیلی و رشد سلامت روانی نوجوانان (شکری، ۱۳۸۶؛ برزونسکی، ۲۰۰۳؛ حجازی، ۲۰۰۹)، با درک روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای این پژوهش می‌توان برای معلمان و والدین جهت ارتقای پیشرفت تحصیلی و سلامت روان نوجوانان (مخصوصاً نوجوانانی که دارای سطوح پایینی از تعهد هویت و سبک‌های هویت نابهنجار هستند) راهکارهایی ارائه کرد.

## روش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. با در نظر گرفتن، تأثیر شاخص اقتصادی-اجتماعی خانواده بر شیوه فرزند پروری والدین (یو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵)، و همچنین تفاوت سبک‌های هویتی نوجوانان در سنین مختلف (فیلیپس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸)، جامعه پژوهش حاضر به کلیه دانش آموزان مقطع سوم دبیرستان‌های منطقه ۲ شهر تهران محدود شد، تا به نوعی تأثیر دومتغیر مزاحم سن و شاخص اجتماعی-اقتصادی تا حدی کنترل شود. افراد نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. شیوه انتخاب افراد نمونه و گردآوری داده‌ها بدین صورت بود که پس از هماهنگی با آموزش و پرورش منطقه ۲ اسامی کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه این منطقه تهیه شد. سپس به صورت تصادفی از بین کلیه دبیرستان‌ها، ۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان

- 
1. Hall
  2. Bersard
  3. Yu
  4. Phillips



سهل‌گیر: ۰/۷۴ بود. در پژوهش حاضر نیز فرم مربوط به مادران اجرا شد و ضرایب پایایی محاسبه شده برای سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه برای ۴۱۵ نفر آزمودنی به ترتیب: ۰/۶۹، ۰/۶۵، ۰/۴۹ بدست آمد.

### پرسشنامه سبک‌های هویت<sup>۱</sup> (ISI-6)

این پرسشنامه که ابتدا توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شده، دارای ۴۰ سؤال بوده و سبک‌های پردازش هویت فرد و میزان تعهد فرد را در هنگام اجرای پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه از چهار گزینه شامل کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم تشکیل شده است. وایت و همکارانش در سال ۱۹۹۸ به تجدید نظر در این آزمون پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر از فرم تجدید نظر شده (ISI-6) استفاده شده است. برزونسکی (۲۰۰۰)، ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱ و سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک سردرگم-اجتنابی را ۰/۷۵ و مقیاس تعهد را ۰/۷۸ گزارش کرده است و ضریب پایایی را به روش آزمون مجدد و به فاصله زمان دو ماه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ گزارش کرده است.

آفاجانی (۱۳۸۰) طی هنجاریایی پرسشنامه مذکور، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۴، سبک اطلاعاتی ۰/۶۷، سبک هنجاری ۰/۵۳، سبک سردرگم ۰/۵۴ و مقیاس تعهد ۰/۵۷ را به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی ۰/۵۷، سبک هنجاری ۰/۵۳، سبک سردرگم-اجتنابی ۰/۵۹ و مقیاس تعهد ۰/۵۸ به دست آمد.

### نتایج

#### همبستگی بین متغیرها

ماتریس همبستگی بین کلیه متغیرها در جدول ۱ آمده است. مطابق انتظار سبک‌های هویت با تعهد دارای رابطه معنادار هستند. سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعهد رابطه مثبت و

1. Identity style Inventory sixth Grade





با اضافه شدن سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی، به معادله رگرسیون میزان واریانس قابل پیش‌بینی تعهد هویت ۰/۲۱ افزایش می‌یابد ( $F\text{-change} = ۴۵/۰۴$ ) و  $(p = ۰/۰۱)$ ، که سهم هر یک از سبک‌های هویت تقریباً بدین شرح بود: اطلاعاتی ۵ درصد، هنجاری ۱۳ درصد و سردرگم-اجتنابی ۳ درصد. پس با توجه به جدول می‌توان انتظار داشت که ۰/۳۱ از واریانس تعهد هویت بوسیله سبک‌های فرزند‌پروری (۱۰ درصد) و سبک‌های هویت (۲۱ درصد) پیش‌بینی می‌شود. ضمناً با توجه به اینکه مقدار بتای سبک فرزند‌پروری مقتدرانه در گام دوم کاهش قابل توجهی داشته است ( $\beta = ۰/۱۲$ )، می‌توان نتیجه گرفت این سبک هویت نقش میانجی را در ارتباط بین سبک فرزند‌پروری مقتدرانه و تعهد ایفا می‌کند.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی جهت پیش‌بینی تعهد از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت

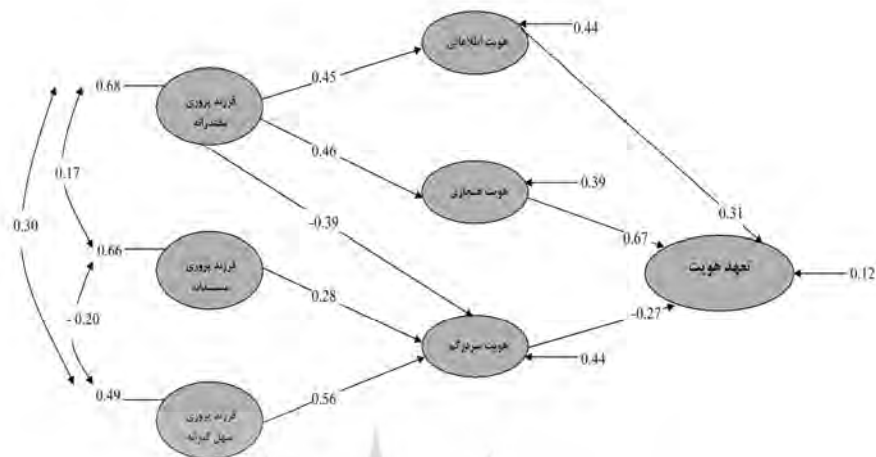
متغیرهای پیش‌بین	گام ۱ $\beta$	گام ۲ $\beta$
فرزند‌پروری سهل‌گیرانه	-۰/۰۶	۰/۰۱
فرزند‌پروری مقتدرانه	۰/۳۳**	۰/۱۲**
فرزند‌پروری مستبدانه	۰/۰۰۳	۰/۰۰
سبک هویت اطلاعاتی		۰/۲۲**
سبک هویت هنجاری		۰/۳۷**
سبک هویت سردرگم-اجتنابی		-۰/۱۸**
تغییر در $R^2$		۰/۲۱**
$R^2$ کل	۰/۱۸**	۰/۳۱**

\*\* $p < ۰/۰۱$  \* $p < ۰/۰۵$

### تحلیل مسیر

در نهایت برای پاسخ به این سؤال که «آیا سبک‌های هویت، رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد هویت را میانجی‌گری می‌کند؟» از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. در زیر به بررسی مدل مفهومی و نتایج حاصل از تحلیل مسیر می‌پردازیم:





شکل ۱. نتایج حاصل از تحلیل مسیر جهت پیش‌بینی تعهد از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت  
 Chi - Square=58.98 , df =10 , P-value=0.00000, RMSEA=0.109

### بحث

#### نقش میانجی سبک‌های پردازش هویت

در رابطه با این سؤال که آیا سبک‌های هویت در رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد هویت نقش متغیر میانجی را ایفا می‌کنند یا خیر، نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که جواب این سؤال منفی است. در واقع مدل مفهومی برزونسکی (۲۰۰۴) در مورد رابطه بین متغیرهای سبک‌های فرزند‌پروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در این مطالعه تأیید نشد. در تبیین این یافته بایستی بیان کرد که روابط بین سبک‌های فرزند‌پروری و متغیرهای مربوط به تحول هویت (مثل سبک‌های هویت و تعهد) هنگامی که نوجوانان در اوایل و اواسط نوجوانی در حال توسعه و تحول سبک‌های هویتی خود هستند متفاوت از زمانی است که آنها در اواخر نوجوانی بوده و در یک سبک هویت خاص تثبیت شده‌اند (برزونسکی و همکاران ۲۰۰۷؛ سوئنس و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجا که مدل برزونسکی (۲۰۰۴) در دانشجویان سال اول



لومر<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) (که به بررسی مؤلفه‌های فرزند پروری پرداخته‌اند) و سرامو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸)، وایت (۲۰۰۹) و برزونسکی (۲۰۰۴) (که سبک‌های فرزند پروری را مطالعه کرده‌اند) همراستا است. در واقع والدینی که شیوه تربیتی مقتدرانه را به کار می‌بندند؛ صمیمیت، پاسخ‌دهی و تشویق به خودمختاری را در سطوح بالا و کنترل روان‌شناختی، تخریب نقش و فریب کمتری را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. پیامد این شیوه فرزند پروری تربیت نوجوانانی است که استقلال، اتکا به نفس و شبکه‌های اجتماعی گسترده تری داشته و ابزار با ارزشی جهت تصمیم‌گیری‌های مربوط به ایجاد تعهد نسبت به سیستم‌های ارزشی دارند. در واقع فرآیندهای حمایتی والدین در زمینه اکتشاف (مانند تشویق فرزندان برای جستجوی اطلاعات جدید به وسیله مطالعه و تجربه کاری) و تعهد (مانند توضیح والدین درباره اینکه چرا داشتن انتخاب‌های ژرف و روشن داری اهمیت است) و عدم تأکید زیاد به خروجی هویت سبب افزایش تعهد در فرزندان می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد که سبک‌های فرزند پروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، تعهد هویت را پیش‌بینی نمی‌کنند. در مطالعه برزونسکی (۲۰۰۴) که بر روی دانشجویان سال اول دانشگاه انجام شد بین سبک فرزند پروری مستبدانه و تعهد هویت رابطه‌ای یافت نشد اما سبک سهل‌گیرانه تعهد را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کرد. این در حالی است که وایت (۲۰۰۹) در پژوهش خود که در جامعه دانشجویان سال آخر کارشناسی انجام شده عکس این نتایج را گزارش کرده است.

با توجه به اینکه تحول هویت امری وابسته به سن می‌باشد (فیلیپس، ۲۰۰۸)، می‌توان تفاوت در نتایج تحقیقات گذشته را در نتیجه انتخاب جوامع سنی متفاوت دانست. ضمناً تفاوت‌های قومی - فرهنگی و تأثیر آن بر سبک‌های فرزند پروری نیز می‌تواند دلیل اختلاف یافته‌های پژوهش‌های مختلف باشد.

---

1. Lomeo  
2. Seramova

اما پژوهش حاضر نشان داد که هر سه سبک هویت، تعهد هویت را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند (سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری به صورت مثبت و سبک سردرگم-اجتنابی به صورت منفی). این یافته هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های وایت (۲۰۰۹)، برزونسکی (۲۰۰۴) و (۲۰۰۳) و برزونسکی و همکاران (۲۰۰۷) می‌باشد. در مطالعه اسمیتس و همکاران (۲۰۰۹) سبک هویت اطلاعاتی با تعهد هویت رابطه مثبت و سبک سردرگم-اجتنابی با آن رابطه منفی داشت، در حالی که سبک هنجاری با تعهد رابطه‌ای نداشت.

پیش‌بینی تعهد هویت بوسیله سبک هویت اطلاعاتی از آنجا ناشی می‌شود که افراد با سبک پردازش هویت اطلاعاتی دارای دو ویژگی الف) خوداندیشی بالا و پردازش فعالانه اطلاعات و ب) گشاده بودن نسبت به دریافت اطلاعات جدید هستند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵). آنها در هنگام مواجهه با مسائل و تصمیمات فردی به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود و تشریح دقیق مسائل می‌پردازند، ضمناً آنها هنگام برخورد با مسائل از راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مجموع این عوامل باعث افزایش ادراک اطلاعات جدید در حوزه هویت و پردازش و تحلیل منطقی این اطلاعات شده و سبب می‌شود نوجوانان بهترین تصمیم را در مواجهه با این مسائل اتخاذ کنند. در نهایت مواجهه با مسائل با رویکردی منطقی در حوزه‌های مربوط به هویت (ارزش‌ها و اعتقادات، شغل و غیره) توسط صاحبان سبک هویت اطلاعاتی به ایجاد تعهدی ژرف منجر خواهد شد.

افراد با سبک پردازش هویت هنجاری خود را با توقعات و دستورات عمل‌های «اطرافیان مهمشان» مطابقت می‌دهند. در واقع اتکاء یک‌جانبه آنها بر درونی‌سازی، تهدیدات بالقوه برای «خود» را کاهش می‌دهد. این افراد برای اینکه هویت و تعهدات مربوط به مباحث هویت‌پیش‌شان در معرض تهدید و تغییر قرار نگیرد نسبت به دریافت اطلاعات جدید مربوط به هویت گشودگی نشان نمی‌دهند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵a).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بالعکس سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری، سبک پردازش هویت سردرگم-اجتنابی تعهد هویت را به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. این یافته در

پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است (برزونسکی، ۲۰۰۴؛ وایت، ۲۰۰۹؛ سراموا و همکاران، ۲۰۰۸). نوجوانان صاحب سبک‌هویی سردرگم - اجتنابی از درگیری با مباحث مربوط به هویت طفره می‌روند یا اینکه آن‌را به تعویق انداخته و از آن اجتناب می‌کنند. در واقع آنها برای مقابله با مسائل و تعارضات شخصی بی‌انگیزه اند (برزونسکی ۱۹۹۰). آنها برای زندگی خود برنامه‌ای ندارند، برنامه‌ریزی شغلی و تحصیلی محدودی داشته و خودمختاری پایینی دارند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵). آنچه از این ویژگی‌ها منتج می‌شود عدم درگیری فرد با مباحث مربوط به هویت است، که در نتیجه آن تعهدی نیز شکل نمی‌گیرد. در واقع افراد با سبک سردرگم - اجتنابی در مورد مباحث مربوط به هویت به نتیجه خاصی نمی‌رسند که نسبت به آن متعهد شوند. با توجه به نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر اینکه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت توانایی پیش‌بینی تعهد هویت را دارا هستند، نخست به مراکز آموزش خانواده پیشنهاد می‌شود والدین را نسبت به اهمیت سبک تربیتیشان برای اکتساب هویت موفق فرزندان آگاه نموده و سپس سبک فرزندپروری مؤثر (که شیوه‌ای همراه با پذیرش، صمیمیت و پاسخ‌دهی، توقع‌های زیاد، بیان دلایل و استدلال همراه با اعلام اصول و توقعات و غیره است) را به آنها آموزش دهند. همچنین با توجه به اینکه محیط‌های کلاس درس بر نوجوانان تأثیر بسزایی دارند، با توجه به نتایج پژوهش حاضر مداخلاتی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود: ۱- شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده هویت رشد یافته (مثل پردازش فعالانه اطلاعات، درگیری با موضوعات مربوط به هویت و حل مسئله) و برگزاری دوره‌هایی جهت ارتقاء این عوامل ۲- شناسایی نوجوانان با سبک هویت سردرگم - اجتنابی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای این افراد جهت فراگیری مهارت‌هایی چون پیش‌بینی مشکلات، ایجاد استراتژی‌های شخصی برای حل مسائل و مقابله با مشکلات به صورت اساسی و برگزاری دوره‌های آموزشی اکتشاف شغل به صورت فردی و جمعی ۳- ارزیابی و مداخله در استراتژی‌های خاص هر سبک، بدین صورت که در سبک هویت اطلاعاتی به تشویق ابتکار و ارزیابی علائق، انجام مشاوره‌های شغلی و ارزیابی مستقلانه هر فرد پرداخته شود. برای افراد با سبک هویت هنجاری ارتقاء فرایندهای اکتشاف شخصی و نیز





- Berzonsky, M. D. (1990). *Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation*. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in personal construct psychology* (Vol. 1, pp. 155–186). Greenwich, CT: JAI press
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.
- Berzonsky, M. D., Branje, S. J. T., & Meeus, W. (2007). Identity-processing style, psychosocial resources, and adolescents' perceptions of parent-adolescent relations. *Journal of Early Adolescence*, 27(3), 324-345.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597–606.
- Berzonsky, M. D., & Kinney, A. (1995, February). *Identity style and need for cognitive closure*. Paper presented at the Biennial Meetings of the Society for Research on Identity Formation, Dog Island, FL.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235- 247.
- Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development: *Research perspectives*. *Developmental Psychology*, 22(6), 723-742.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Campbell, E., Adams, G. R., & Dobson, W. R. (1984). Familial correlates of identity formation in late adolescence: A study of the predictive utility of connectedness and individuality in family relations. *Journal of Youth and Adolescence*, 13, 509–525.
- Chao, R. K. (2001). Extending research on the consequences of parenting style for Chinese Americans and European Americans. *Child Development*, 72, 1832–1843.
- Dollinger, S. M. C. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality*, 29(4), 475-479.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Grotevant, H. D., & Cooper, C. R. (1985). Patterns of interaction in family relationships and the development of identity exploration in adolescence. *Child Development*, 56, 415-428.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M. & Asgary, A. (2009). Identity styles and academic achievement: mediating role of academic self-efficacy. *Social Psychology of Education*, 12 (1), 123-135.
- Hillstrom, K. A. (2009). *Are acculturation and parenting styles related to academic achievement among Latino students?* Unpublished dissertation, University of Southern California.
- Kamptner, N. L. (1988). Identity development in late adolescence: Causal modeling of social and familial influences. *Journal of Youth and Adolescence*, 17, 493–514.
- Lomeo, C. M. (1998). *Identity development: The links between Coping style, Sibling relationships, and Parenting style*. Unpublished dissertation, University of New York

- Luyckx, K., Schwartz, S. J., Berzonsky, M. D., Soenens, B., Vansteenkiste, M., & Smits, I., et al. (2008). Capturing ruminative exploration: Extending the four-dimensional model of identity formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality*, 42, 58–82.
- Papini, D. R., Micka, J. C., & Barnett, J. K. (1989). Perceptions of intrapsychic and extrapsychic functioning as bases of adolescent ego identity statuses. *Journal of Adolescent Research*, 4, 462–482.
- Park, H. S., & Bauer, S. (2002). Parenting practices, ethnicity, socioeconomic status and academic achievement in adolescents. *School Psychology International*, 23(4), 386–396.
- Phillips, T. M. (2008). Age-Related Differences in Identity Style: A Cross-Sectional Analysis. *Current Psychology*, 27, 205–215.
- Schwartz, S. J. (2005). A new identity for identity research: Recommendations for expanding and refocusing the identity literature. *Journal of Adolescent Research*, 20, 293–308.
- Seramova, B., Bianchi, G., Lasticova, B., Fichnova, K., & Hamranova, A. (2008). Analyses of Socio-Cognitive Identity Styles by Slovak Adolescents. *International Journal of Human and Social Sciences*, 2(4), 196–200.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005a). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427–442.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107–125.
- Soenens, B., Luyckx, K., Beyers, W., Sierens, E., & Goossens, L. (2004, July). *Parenting dimensions and identity style*. Poster presented at the 18th biennial meeting of the International Society for the Study of Behavioural Development, Ghent, Belgium.
- White, R. J. (2009). *The role of parenting style, ethnicity, and identity style in identity commitment and career decision self-efficacy*. Unpublished dissertation, University of Southern California.
- Yu, B. (2005). *Family socioeconomic status and adolescence' academic achievement: parenting practice as mediator*. Unpublished Dissertation. University of Newfoundland.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی